

بسم الله الرحمن الرحيم

امام صادق سلام الله عليه در بینش اهل سنت و وهابیت

اشعه ششمین خورشید عالمگیر آسمان امامت و ولایت در هفدهم ربیع الاول سال هشتاد و سه در منزل با برکت شکافنده علم، حضرت باقر العلوم سلام الله عليه بر این عالم دنیا تایید. پدر بزرگوار آن آفتاب عالم تاب؛ پنجمین خورشید بر تارک آسمان ولایت الهی، حضرت امام محمد باقر سلام الله عليه و مادر بزرگوار ایشان، فاطمه، مشهور به ام فروه زنی مؤمن و با تقوا بود.

مجلس علمی آن عبد صالح خدا در مدینه منوره زبازد عام و خاص بوده و شاگردانی بزرگ در مکتب ایشان حضور داشته و از علم ایشان شاخه های معرفت بر می-چیدند؛ در بین هزاران شاگرد امام صادق سلام الله عليه، بزرگان و علمای اهل سنت نیز به چشم می خورد.

ابن تیمیه در این باره چنین می نویسد:

فإن جعفر بن محمد لم يجيء بعد مثله وقد أخذ العلم عنه هؤلاء الأئمة كمالك وابن عيينة وشعبة والثوري وابن جريج ويحيى بن سعيد وأمثالهم من العلماء المشاهير الأعيان.

بعد از جعفر بن محمد (امام صادق سلام الله عليه) کسی به مانندش نیامده است و شخصیت ها و عالمان بزرگ اهل سنت همچون مالک و سفیان بن عیینه و [سفیان] ثوری و ابن جریج و یحیی بن سعید و مانند آنان از علمای مشهور و معروف، از وی علم آموخته اند.

ابن تیمیه الحرانی الحنبلی، ابوالعباس أحمد عبد الحلیم (متوفای ۷۲۸ هـ)، منهاج السنة النبویة، ج ۴ ص ۱۲۶، تحقیق: د. محمد رشاد سالم، ناشر: مؤسسة قرطبة، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۶ هـ..

آلوسی نیز از قول ابوحنیفه چنین می نویسد:

وهذا أبو حنيفة - رضي الله تعالى عنه - وهو بين أهل السنة كان يفتخر ويقول بأفصح لسان: لولا السنن لهلك النعمان، يريد السنن اللتين صحب فيهما لأخذ العلم الإمام جعفر الصادق - رضي الله تعالى عنه -.

این ابو حنیفه است که در بین اهل سنت بوده و دائما افتخار می کرد و با زبانی فصیح می گفت: اگر آن دو سال نبود، هلاک می شدم. مقصود [ابو حنیفه] دو سالی است که در طول آن از امام جعفر صادق [علیه السلام] کسب علم نموده است.

الألوسي، محمود شكري، مختصر التحفة الاثني عشرية، ص ٨ ، ألف أصله باللغة الفارسية شاه عبد العزيز غلام حكيم الدهلوي، نقله من الفارسية إلى العربية: (سنة ١٢٢٧ هـ) الشيخ الحافظ غلام محمد بن محيي الدين بن عمر الأسلمي، حققه وعلق حواشيه: محب الدين الخطيب، دار النشر: المطبعة السلفية، القاهرة، الطبعة: ١٣٧٣ هـ.

و رك: القنوجي البخاري، أبو الطيب السيد محمد صديق خان بن السيد حسن خان (متوفى ١٣٠٧ هـ)، الحطة في ذكر الصحاح الستة ، ج ١ ص ٢٦٤ ، ناشر : دار الكتب التعليمية - بيروت ، الطبعة : الأولى ١٤٠٥ هـ / ١٩٨٥ م.

در این نوشته بر آنیم که با مراجعه به کتب اهل سنت، برگی زرین از حیات علمی و عظمت روحانی آن حضرت را بیان کنیم.

در پایان نوشته نیز به برخی از جسارت‌ها و دهن کجی های نواصب و دشمنان مکتب اهل بیت علیهم السلام نیز اشاره خواهد شد تا برهمگان روشن شود که وهابیت که به واسطه استعمار به وجود آمده است، چگونه فضایل اهل بیت علیهم السلام را بر نمی‌تابند.

شخصیت وجود مقدس امام صادق سلام الله علیه از منظر علمای اهل سنت:

ابوحنیفه (متوفای ١٥٠ هـ.ق):

مزی در کتاب تهذیب الکیمال از قول ابوحنیفه چنین می نویسد:

عن حسن بن زیاد یقول : سمعت أبا حنیفة وسئل : من أفقه من رأیت ؟ فقال : ما رأیت أحدا أفقه من جعفر بن محمد.

حسن بن زیاد می گوید: از ابوحنیفه شنیدم در حالی که از او سوال شد: فقیه ترین فردی که دیده ای چه کسی است؟ پاسخ داد: کسی را فقیه تر از جعفر بن محمد (امام صادق علیه السلام) ندیدم.

المزی، ابوالحجاج یوسف بن الزکی عبدالرحمن (متوفای ٧٤٢ هـ)، تهذیب الکیمال، ج ٥ ص ٧٩ ، تحقیق: د. بشار عواد معروف، ناشر: مؤسسة الرسالة - بیروت، الطبعة: الأولى، ١٤٠٠ هـ - ١٩٨٠ م. الذهبی الشافعی، شمس الدین ابو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفای ٧٤٨ هـ)، سیر أعلام النبلاء، ج ٦ ص ٢٥٧ ، تحقیق: شعیب الأرنؤوط، محمد نعیم العرقسوسی، ناشر: مؤسسة الرسالة - بیروت، الطبعة: التاسعة، ١٤١٣ هـ.

خوارزمی نیز از قول ابو حنیفه چنین می نویسد:

قال أبو حنیفة : ما رأیت أفقه من جعفر بن محمد ، لما أقدمه المنصور بعث إليّ فقال : یا أبا حنیفة ! إن الناس قد افتتنوا بجعفر بن محمد ، فهیئ له من المسائل الشداد .

فهیأت له أربعین مسألة ، ثم بعث إليّ أبو جعفر - أي المنصور - وهو بالحیره فأتیته فدخلت علیه وجعفر بن محمد جالس عن یمینه ، فلما أبصرت به دخلتني من الهیبة لجعفر بن محمد الصادق ما لم یدخلني لأبی

جعفر فسلمت عليه. وأوماً إلي، فجلست ثم التفتُ إليه فقال: يا أبا عبد الله! هذا أبو حنيفة. قال جعفر: نعم ... ثم التفت المنصور إلي فقال: يا أبا حنيفة ألق على أبا عبد الله من مسائلك! فجعلتُ ألقى عليه فيجيبني، فيقول: أنتم تقولون كذا وأهل المدينة يقولون كذا و نحن نقول كذا، فربما تابعهم، وربما خالفنا جميعاً، حتى أتيت على الأربعين مسألة. ثم قال أبو حنيفة: ألسنا روينا أن أعلم الناس أعلمهم باختلاف الناس.

ابو حنيفة می گفت: دانشمندتر از جعفر بن محمد ندیده ام . وقتی منصور عباسی آن حضرت را احضار کرده بود، مرا فراخواند و گفت: ای ابا حنيفة! مردم به وسیله جعفر بن محمد فریب خورده اند، سؤال های سختی را آماده کن [تا از وی بیرسی و ناتوانی او را در برابر مردم ثابت نمایی]. ابوحنيفة می گوید: من چهل مسئله آماده کردم. منصور دوانیقی که در «حیره» بود، به دنبال من فرستاد. وقتی بر منصور وارد شدم، جعفر بن محمد (امام صادق سلام الله علیه) در طرف راست او نشسته بود، وقتی بر آن حضرت نگریستم، از هیبت او برخورد لرزیدم، (در حالی که از منصور چنین هراسی نداشتم) به ایشان سلام کردم. منصور به من اشاره کرد و نشستم سپس به امام علیه السلام رو کرد و گفت: ای ابا عبدالله، این ابو حنيفة است. پاسخ داد. آری [او را شناختم]. سپس منصور رو به من کرد و گفت: ای ابو حنيفة سوالات را از ابا عبدالله [امام صادق علیه السلام] بیرس. سوالاتم را مطرح و جوابم را داد و چنین می فرمود: شما چنین می گوئید و مردم مدینه چنان و ما چنین می گوئیم؛ در برخی مسائل نظر ایشان موافق نظر اهل مدینه [تابعان مالک بن انس] بود و در بعضی کاملاً با همه ما [اهل مدینه و اهل عراق - پیروان ابوحنيفة-] مخالف بود. تا اینکه تمام چهل مسئله را پاسخ فرمود. ابوحنيفة [که خود را ناتوان یافت] گفت: مگر نه این است که می گوئیم عالم ترین علما کسی است که آگاه ترین آنان به مسائل اختلافی مذاهب و مکاتب باشد؟

الموفق ابن احمد بن محمد المكي الخوارزمي (متوفاي ۵۶۸هـ)، مناقب الامام أبي حنيفة النعمان، الطبعة الأولى، مجلس دائرة المعارف النظامية - هند، ۱۳۲۱ هـ.

مالک بن انس (متوفای ۱۷۹ هـق):

ابن حجر عسقلانی نیز از قول مالک بن انس چنین می نویسد:

وقال مالك اختلفت إليه زمانا فما كنت أراه إلا على ثلاث خصال إما مصل وإما صائم وإما يقرأ القرآن.

مالک گفت: مدت زمانی نزدش (امام صادق علیه السلام) رفت و آمد داشتم. هر بار که جعفر بن محمد را دیدم، او را در یکی از سه حال می دیدم: یا در حال نماز بود، یا روزه‌دار و یا قرآن تلاوت می‌کرد.

العسقلاني الشافعي، أحمد بن علي بن حجر ابو الفضل (متوفای ۸۵۲هـ)، تهذيب التهذيب، ج ۲ ص ۸۸ ، ناشر: دار الفكر - بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۴ - ۱۹۸۴ م.

منصور دوانیقی (متوفای ۱۵۸ هـق):

يعقوبی از قول منصور دوانیقی یکی از خلفای ظالم و قسی القلب عباسیان چنین می نویسد:

إن جعفرأ كان ممن قال الله فيه: «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا» (الفاطر / ۳۲). وكان ممن اصطفى الله وكان من السابقين بالخيرات.

جعفر [امام صادق عليه السلام] از کسانی بود که خداوند درباره اش فرمود: «سپس این کتاب (آسمانی) را به گروهی از بندگان برگزیده خود به میراث دادیم». ایشان از کسانی است که خداوند آنان را برگزیده و به انجام کارهای خیر سبقت می گیرد.

اليقوبي، أحمد بن أبي يعقوب بن جعفر بن وهب بن واضح (متوفای ۲۹۲هـ)، تاریخ اليعقوبي، ص ۳۸۳، ناشر: دار صادر - بيروت.

ابو حاتم (متوفای ۳۲۷هـق):

ابن أبي حاتم از قول پدرش پیرامون وجود مقدس صادق آل محمد عليهم السلام چنین می نویسد:

سمعت أبي يقول جعفر بن محمد ثقة لا يسأل عن مثله.

از پدرم شنیدم که می گفت: جعفر بن محمد فردی مورد اعتماد است و [به قدری جلیل القدر است که] درباره مانند او سوال نمی شود.

ابن أبي حاتم الرازي التميمي، ابو محمد عبد الرحمن بن أبي حاتم محمد بن إدريس (متوفای ۳۲۷هـ)، الجرح والتعديل، ج ۲ ص ۴۸۷، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۲۷۱هـ - ۱۹۵۲م.

المزي، ابو الحجاج يوسف بن الزكي عبدالرحمن (متوفای ۷۴۲هـ)، تهذيب الكمال، ج ۵ ص ۷۸، تحقيق: د. بشار عواد معروف، ناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۰هـ - ۱۹۸۰م.

ابن حبان (متوفای ۳۵۴هـق):

ابن حبان بستی نیز چنین می نویسد:

جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب الذي يقال له الصادق كنيته أبو عبد الله من سادات أهل البيت وعباد أتباع التابعين وعلماء أهل المدينة.

جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب کسی که به او صادق گفته می شد و کنیه او ابو عبدالله از بزرگان اهل بیت [عليهم السلام] و در میان پیروان تابعین و علمای مدینه، از عابدان بود.

التميمي البستي، محمد بن حبان بن أحمد ابوحاتم (متوفای ۳۵۴هـ)، مشاهير علماء الأمصار، ج ۱ ص ۱۲۷، تحقيق: م. فلايشهمر، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ۱۹۵۹.

ابو نعیم اصفهانی (متوفای ۴۳۰ هـ.ق):
ابونعیم نیز پیرامون آن حضرت چنین می نویسد:

جعفر بن محمد الصادق ومنهم الامام الناطق ذو الزمام السابق أبو عبدالله جعفر بن محمد الصادق أقبل على العبادة والخضوع وأثر العزلة والخشوع ونهى عن الرئاسة والجموع.

جعفر بن محمد صادق [از جمله ائمه علیهم السلام] امام ناطق، صاحب امامت و رهبری، اباعبدالله جعفر بن محمد صادق. او به سمت عبادت و خضوع آمده و گوشه نشینی و خشوع را در پیش گرفته و از ریاست و اجتماع [با صاحبان قدرت] نهی می کرد (کتابه از دوری گزینی).

الأصبهاني، ابونعیم أحمد بن عبد الله (متوفای ۴۳۰ هـ)، حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء، ج ۳ ص ۱۹۲ ، ناشر: دار الكتاب العربي - بیروت، الطبعة: الرابعة، ۱۴۰۵ هـ..

شهرستانی (متوفای ۵۴۸ هـ.ق):
شهرستانی از استوانه های علمی اهل سنت نیز چنین می نویسد:

أبي عبد الله جعفر بن محمد الصادق وهو ذو علم غزير في الدين وأدب كامل في الحكمة وزهد بالغ في الدنيا وورع تام عن الشهوات وقد أقام بالمدينة مدة يفيد الشيعة المنتمين إليه ويفيض على الموالين له أسرار العلوم.

ابی عبد الله جعفر بن محمد صادق، او پیرامون دین، علمی بسیار داشت و در حکمت دارای ادبی کامل بود و نسبت به دنیا زهدی فراوان و از لذات بسیار دوری می گزید. در مدت اقامتش شیعیانی که به او منسوب بودند، استفاده بردند و برای دوستدارانش اسرار علمی را سرازیر کرد .

الشهرستاني، محمد بن عبد الكريم بن أبي بكر أحمد (متوفای ۵۴۸ هـ)، الملل والنحل، ص ۱۶۱ ، تحقیق: محمد سید کیلانی، ناشر: دار المعرفة - بیروت - ۱۴۰۴ هـ..

ابن جوزی (متوفای ۵۹۷ هـ.ق):
ابن جوزی نیز پیرامون عبادت حضرت می نویسد:

جعفر بن محمد بن علي بن الحسين عليهم السلام كان مشغولا بالعبادة عن حب الرياسة.

جعفر بن محمد بن علي بن الحسين عليهم السلام، به خاطر دوری از حب ریاست، مشغول عبادت بود.

ابن الجوزي الحنبلي، جمال الدين ابوالفرج عبد الرحمن بن علي بن محمد (متوفى ٥٩٧ هـ)، صفة الصفوة، ج ٢ ص ١٦٨ ، تحقيق: محمود فاخوري - د.محمد رواس قلعه جي، ناشر: دار المعرفة - بيروت، الطبعة: الثانية، ١٣٩٩هـ - ١٩٧٩م.

محمد بن طلحه (متوفى ٦٥٢هـق):

محمد بن طلحه شافعي نیز پیرامون مقام والای حضرت و استفاده علمی بزرگان اهل سنت از درس ایشان، چنین می نویسد:

الإمام جعفر الصادق (عليه السلام) ... هو من عظماء أهل البيت وساداتهم (عليهم السلام) ذو علوم جمّة ، وعبادة موفرة ، وأوراد متواصلة ، وزهادة بينة ، وتلاوة كثيرة ، يتتبع معاني القرآن الكريم ، ويستخرج من بحره جواهره ، ويستنتج عجائبه ، ويقسم أوقاته على أنواع الطاعات ، بحيث يحاسب عليها نفسه ، رؤيته تذكر الآخرة ، واستماع كلامه يزهد في الدنيا ، والافتداء بهديه يورث الجنة ، نور قسماته شاهد أنه من سلالة النبوة ، وطهارة أفعاله تصدع أنه من ذرية الرسالة . نقل عنه الحديث ، واستفاد منه العلم جماعة من الأئمة وأعلامهم مثل : يحيى بن سعيد الأنصاري ، وابن جريج ، ومالك بن أنس ، والثوري ، وابن عيينة ، وشعبة ، وأيوب السجستاني ، وغيرهم (رض) وعدوا أخذهم عنه منقبة شرفوا بها وفضيلة اكتسبوها.

امام جعفر الصادق از بزرگان اهل بیت (علیهم السلام) است، دارای دانش فراوان، همواره مشغول عبادت، همواره به یاد خدا بود، زهدی آشکار داشت و اهل تلاوت قرآن بود. در معانی قرآن کریم اهل تحقیق بود و جواهرات قرآن را استخراج می کرد و عجائبی را از قرآن نتیجه می گرفت و اوقات خود را برای انجام انواع طاعات الهی تقسیم کرده بود به طوری که در آن اوقات به محاسبه نفس خود مشغول بود. دیدارش انسان را به یاد آخرت می انداخت و شنیدن کلامش موجب زهد در دنیا می شد و اقتدا به روش او، راهنمای بهشت بود. نور چهره زیبایش، گواه بر این بود که او از فرزندان انبیا است و پاکی اعمالش روشن گر این بود که وی از نسل رسالت می باشد. از علم او جماعتی از ائمه و بزرگانی مانند: یحیی بن سعید انصاری ، و ابن جریج ، ومالك بن انس ، و [سفيان] ثوري ، و [سفيان] ابن عيينه ، وشعبة ، وايوب السجستاني و غیر از این ها استفاده برده و شاگردی ایشان را برای خود منقبت و فضیلتی برشمرده اند که موجب شرافت آنان بوده است.

الشافعي، محمد بن طلحة (متوفى ٦٥٢هـ)، مطالب السؤل في مناقب آل الرسول (ع)، ص ٤٣٦ ، تحقيق: ماجد ابن أحمد العطية. طبق برنامه کتابخانه اهل بیت علیهم السلام.

ابن أبي الحديد (متوفى ٦٥٥ هـق):

ابن أبي الحديد معتزلی، از علمای اهل سنت نیز پیرامون سلسله علوم علمای اهل سنت از امام صادق علیه السلام و آن حضرت از پدر گرامیشان و از امیرمؤمنان سلام الله علیه چنین می نویسد:

ومن العلوم علم الفقه وهو عليه السلام أصله و أساسه، وكل فقيه في الإسلام فهو عيال عليه، ومستفيد من فقهه.

و از جمله علوم، علم فقه است که او [امام صادق علیه السلام] اصل و اساس آن می باشد و هر فقیهی در اسلام، بر سر سفره او نشسته و از فقه او استفاده می کند.

ابن أبي الحديد المدائني المعتزلي، ابوحامد عز الدين بن هبة الله بن محمد بن محمد (متوفای ۶۵۵ هـ)، شرح نهج البلاغة، ج ۱ ص ۱۸، تحقیق: محمد عبد الكريم النمري، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۸هـ - ۱۹۹۸م.

نووی (متوفای ۶۷۶ هـ ق):

محي الدين نووي، از علمای شافعی مذهب اهل سنت پیرامون آن حضرت می نویسد:

روى عنه محمد بن إسحاق ويحيى الأنصاري ومالك والسفيانان وابن جريج وشعبة ويحيى القطان وآخرون واتفقوا على إمامته وجلالته وسيادته قال عمرو بن أبي المقدم كنت إذا نظرت إلى جعفر بن محمد علمت أنه من سلالة النبيين.

محمد بن اسحاق و يحيى الأنصاري ومالك دو سفيان و ابن جريج و شعبه و يحيى القطان و ديگران از ایشان روایت نقل کرده و بر جلالت و امامت و آقایی او اتفاق نظر دارند. عمرو بن ابی المقدم گفت: هنگامی که به جعفر بن محمد نگرستم، دریافتم که او از نسل پیامبران است.

النووي الشافعي، محيي الدين أبو زكريا يحيى بن شرف بن مر بن جمعة بن حزام (متوفای ۶۷۶ هـ)، تهذيب الأسماء واللغات، ج ۱ ص ۱۵۵، تحقیق: مكتب البحوث والدراسات، ناشر: دار الفكر - بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۹۹۶م.

ابن خلكان (متوفای ۶۸۱ هـ ق):

ابن خلكان، آن حضرت را این گونه توصیف می کند:

جعفر الصادق أبو عبد الله جعفر الصادق بن محمد الباقر بن علي زين العابدين بن الحسين بن علي بن أبي طالب رضي الله عنهم أجمعين أحد الأئمة الاثني عشر على مذهب الإمامية وكان من سادات أهل البيت ولقب بالصادق لصدقه في مقالته وفضله أشهر من أن يذكر وله كلام في صنعة الكيمياء والزجر والفأل وكان تلميذه أبو موسى جابر بن حيان الصوفي الطرسوسي قد ألف كتابا يشتمل على ألف ورقة تتضمن رسائل جعفر الصادق وهي خمسمائة رسالة.

ابا عبد الله جعفر صادق فرزند محمد باقر فرزند علی زین العابدین فرزند حسین بن علی بن ابی طالب، یکی از امامان دوازده گانه طبق عقیده شیعه می باشد. ایشان از آقایان و بزرگان اهل بیت (علیهم السلام) بشمار می رود و به دلیل راستگویی در گفتارش ملقب به صادق شده است، فضایلش مشهور تر از آن است که ذکر شود. از وی در علم شیمی و پیشگویی صاحب نظر بود. ابو موسی جابر بن حیان یکی از شاگردان اوست که

کتابی مشتمل بر هزار برگ تألیف نموده که متضمن رساله های جعفر صادق [علیه السلام] است که مقدار آنها به پانصد رساله می رسد.

ابن خلکان، ابوالعباس شمس الدین أحمد بن محمد بن أبي بكر (متوفای ۶۸۱ هـ)، وفيات الأعیان و انباء أبناء الزمان، ج ۱ ص ۳۲۷، تحقیق احسان عباس، ناشر: دار الثقافة - لبنان.

ابن تیمیه (متوفای ۷۲۸ هـ ق):

وی نیز پیرامون شخصیت والای ان حضرت چنین می نویسد:

فإن جعفر بن محمد لم یجیء بعد مثله.

بعد از جعفر بن محمد کسی مانندش نیامده است.

ابن تیمیه الحرانی الحنبلی، ابوالعباس أحمد عبد الحلیم (متوفای ۷۲۸ هـ)، منهاج السنة النبویة، ج ۴ ص ۱۲۶، تحقیق: د. محمد رشاد سالم، ناشر: مؤسسة قرطبة، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۶ هـ..

و در جایی دیگر تصریح می کند که امام صادق علیه السلام از ائمه دین بوده اند:

فإن جعفر بن محمد من أئمة الدين باتفاق أهل السنة.

به اتفاق اهل سنت جعفر بن محمد از پیشوایان دین بود.

ابن تیمیه الحرانی الحنبلی، ابوالعباس أحمد عبد الحلیم (متوفای ۷۲۸ هـ)، منهاج السنة النبویة، ج ۲ ص ۲۴۵، تحقیق: د. محمد رشاد سالم، ناشر: مؤسسة قرطبة، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۶ هـ..

خطیب تبریزی (متوفای: ۷۴۱ هـ ق):

خطیب تبریزی از استوانه های علمی اهل سنت نیز پیرامون شخصیت امام صادق سلام الله علیه چنین می نویسد:

جعفر الصادق: هو جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب، الصادق كنيته أبو عبدالله كان من سادات أهل البيت روي عن أبيه وغيره سمع منه الأئمة الأعلام نحو يحيى بن سعيد وابن جريج ومالك بن أنس والثوري وابن عيينة وأبو حنيفة.

جعفر الصادق: او جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب، [لقبش] صادق و کنیه اش ابو عبدالله می باشد. ایشان از بزرگان اهل بیت بود و از پدرش و غیر پدرش روایت نقل کرده و ائمه و بزرگانی

همچون: یحیی بن سعید وابن جریج ومالك بن انس و سفیان ثوری و سفیان بن عیینه و ابو حنیفه از او روایت شنیده اند.

الخطیب التبریزی، محمد بن عبد الله، (متوفای: ۷۴۱ هـ)، الأکمال فی أسماء الرجال، ص ۱۹ ، بی جا، بی تا.

ذهبی (متوفای ۷۴۸ هـق):

شمس الدین ذهبی پیرامون آن حضرت می نویسد:

جعفر بن محمد بن علی بن الشهید الحسین بن علی بن ابي طالب الهاشمي الإمام أبو عبد الله العلوي المدني الصادق أحد السادة الأعلام.

جعفر فرزند محمد فرزند علی فرزند شهید حسین بن علی بن ابي طالب، از قبیله بنی هاشم، امام ابا عبد الله از نسل [امیر مؤمنان امام] علی علیه السلام و اهل مدینه بود، فردی راستگو و یکی از بزرگان مشهور بود.

الذهبي الشافعي، شمس الدين ابو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفای ۷۴۸ هـ)، تذكرة الحفاظ، ج ۱ ص ۱۶۶ ، ناشر: دار الكتب العلمية – بيروت، الطبعة: الأولى.

ابن الوردی (متوفای ۷۴۹ هـق):

ابن الوردی از علمای شافعی مذهب اهل سنت نیز می نویسد:

ثُمَّ دَخَلَتْ سَنَةٌ ثَمَانٌ وَأَرْبَعِينَ وَمِائَةً: وَفِيهَا تَوَفَّى جَعْفَرُ الصَّادِقُ بْنُ مُحَمَّدِ الْبَاقِرِ بْنِ عَلِيِّ زَيْنِ الْعَابِدِينَ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ، سَمِيَ الصَّادِقَ لَصَدَقَهُ، وَيُنْسَبُ إِلَيْهِ كَلَامٌ فِي صَنْعَةِ الْكِيمَاءِ وَالزَّجْرِ وَالْفَالِ.

سال ۱۴۸: در این سال جعفر صادق فرزند محمد باقر فرزند علی زین العابدین فرزند حسین بن علی بن ابي طالب (رضوان الهی بر آنان باد) وفات کرد. به خاطر صداقتش صادق نامیده شد. سخنانی در علم شیمی و پیشگویی به او نسبت داده شده است.

ابن الوردی، زین الدین عمر بن مظفر (متوفای ۷۴۹ هـ) ، تاریخ ابن الوردی، ج ۱ ص ۱۸۷ ، ناشر: دار الكتب العلمية - لبنان / بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۷ هـ - ۱۹۹۶ م.

وی همچنین پیرامون آن حضرت چنین می نویسد:

مناقب جعفر کثیره، وکان يصلح للخلافة لسؤدده وفضله و علمه و شرفه رضي الله عنه.

فضایل جعفر (امام صادق سلام الله علیه) بسیار است. به خاطر مقام رفیع و برتری و علم و شرافتش سزاوار خلافت بود.

الذهبي الشافعي، شمس الدين ابو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفای ۷۴۸ هـ)، تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام، ج ۹ ص ۹۳، تحقیق: د. عمر عبد السلام تدمری، ناشر: دار الكتاب العربي - لبنان/ بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۷ هـ - ۱۹۸۷ م.

یافعی (متوفای ۷۶۸ هـ ق):

عبد الله بن اسعد یافعی نیز پیرامون امام صادق سلام الله علیه چنین می نویسد:

سنة ثمان واربعین ومائة فیها توفي الامام السيد الجلیل سلاله النبوة ومعدن الفتوة أبو عبد الله جعفر الصادق بن أبي جعفر محمد الباقر بن زين العابدين علی بن الحسين الهاشمی العلوی واما لقب بالصادق لصدقه فی مقالته وله كلام نفیس فی علوم التوحید وغيرها وقد الف تلميذه جابر بن حیان الصوفي كتابا یشتمل علی الف ورقة یتضمن رسائله وهي خمس مائة رسالة.

در سال ۱۴۸؛ امام و سید بزرگوار، سلاله رسول خدا صلی الله علیه و آله و معدن جوانمردی، اباعبد الله جعفر صادق فرزند ابوجعفر محمد باقر فرزند زین العابدین علی بن الحسین هاشمی علوی وفات کرد. او به علت راستی و درستی در گفتارش به صادق ملقب شد و سخنان گهرباری در علوم توحید و غیر آن از وی به جا مانده است و شاگرد او جابر بن حیان کتابی تالیف کرد که مشتمل بر هزار ورق است و شامل پانصد نامه از امام صادق علیه السلام می باشد.

الیافعی، ابو محمد عبد الله بن أسعد بن علي بن سليمان (متوفای ۷۶۸ هـ)، مرآة الجنان وعبرة الیقظان، ج ۱ ص ۳۰۴، ناشر: دار الكتاب الإسلامي - القاهرة - ۱۴۱۳ هـ - ۱۹۹۳ م.

ابن حجر عسقلانی (متوفای ۸۵۲ هـ ق):

وی نیز پیرامون حضرت می نویسد:

جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب الهاشمي أبو عبد الله المعروف بالصادق صدوق فقيه إمام.

جعفر بن محمد بن علي بن حسين بن علي بن بی طالب هاشمی اباعبد الله معروف به صادق، فردی راستگو، فقیه و امام بود.

العسقلانی الشافعي، أحمد بن علي بن حجر ابوالفضل (متوفای ۸۵۲ هـ)، تقریب التهذیب، ج ۱ ص ۱۴۱، تحقیق: محمد عوامة، ناشر: دار الرشید - سوريا، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۶ - ۱۹۸۶ م.

ابو المحاسن ظاهری (متوفای ۸۷۴ هـ.ق):

وی که از علمای حنفی مذهب اهل سنت می باشد، چنین می نگارد:

[ما وقع من الحوادث سنة ۱۴۸] وفيها توفي جعفر الصادق بن محمد الباقر بن علي زين العابدين بن الحسين بن علي بن أبي طالب رضي الله عنهم، الإمام السيد أبو عبد الله الهاشمي العلوي الحسيني المدني ... وكان يلقب بالصابر، والفاضل، والظاهر، وأشهر ألقابه الصادق ... وحدث عنه أبو حنيفة وابن جريج وشعبة والسفيان ومالك وغيرهم. وعن أبي حنيفة قال: ما رأيت أفقه من جعفر بن محمد.

آنچه در سال ۱۴۸ واقع شده است: و در این سال جعفر صادق فرزند محمد باقر فرزند علی زین العابدین فرزند حسین بن علی بن ابی طالب وفات کرد. او امام، آقا اباعبدالله هاشمی علوی حسینی مدنی بود. به صابر و فاضل و طاهر ملقب شده بود و مشهورترین القابش، صادق بود ... افرادی همچون ابوحنیفه و ابن جریج و شعبه و سفیان بن عیینه و سفیان و ثوری و مالک و غیر از اینها از او حدیث نقل کرده اند. و از ابوحنیفه نقل است که گفت: کسی را فقیه تر از جعفر بن محمد ندیدم.

الأتابكي، جمال الدين أبي المحاسن يوسف بن تغري بردى (متوفى ۸۷۴هـ)، النجوم الزاهرة في ملوك مصر والقاهرة، ج ۲ ص ۶۸، ناشر: وزارة الثقافة والإرشاد القومي - مصر.

ابن صباغ (متوفای ۸۸۵ هـ.ق):

علی بن احمد مکی، مشهور به ابن صباغ از علمای مالکی مذهب اهل سنت نیز می نویسد:

كان جعفر الصادق ابن محمد بن علي بن الحسين عليهم السلام من بين إخوانه خليفة أبيه محمد بن علي عليهما السلام ووصيه والقائم بالإمامة من بعده ، و برز على جماعتهم بالفضل وكان أنبهم ذكراً وأعظمهم قدراً ، ونقل الناس عنه من العلوم ما سارت به الركبان وانتشر صيته وذكّره في سائر البلدان ، ولم ينقل العلماء عن أحدٍ من أهل بيته ما نُقل عنه من الحديث .
وروى عنه جماعة من أعيان الأمة وأعلامهم مثل : يحيى بن سعيد وابن جريج ومالك بن أنس والثوري وابن عيينة وأبو حنيفة وشعبة وأبو أيوب السجستاني وغيرهم.

جعفر الصادق ابن محمد بن علی بن حسین علیهم السلام در بین برادرانش جانشین و وصی و امام بعد از پدرش، محمد بن علی علیهما السلام بود. و فضل او بر جماعت آنان روشن و نامش بلند و مقامش والاتر از آنان بود و مردم به اندازه‌ای از وی نقل علوم کردند که در تمام نقاط دنیا منتشر شده و شهرتش سرتاسر جهان را فرا گرفت و علماء آنقدر حدیث از وی نقل که از هیچ یک از اهل بیت نقل نکرده اند.
از او جماعتی از بزرگان امت همچون: یحیی بن سعید و ابن جریج و مالک بن أنس و الثوری و ابن عیینة و أبو حنيفة و شعبة و أبو أيوب السجستاني و غیر از اینها از او روایت نقل کرده اند.

المالكي المكي، علي بن محمد بن أحمد المعروف بابن الصباغ (متوفى ٨٨٥هـ)، الفصول المهمة في معرفة الأئمة، ج ٢ ص ٩٠٧-٩٠٨، تحقيق: سامي الغريبي، ناشر: دار الحديث للطباعة والنشر مركز الطباعة والنشر في دار الحديث - قم، الطبعة الأولى: ١٤٢٢ - ١٣٧٩ ش.

ابن حجر هيثمي (متوفى ٩٧٣هـق):

وى نیز پیرامون آن حضرت چنین می نویسد:

جعفر الصادق ومن ثم كان خليفته ووصيه ونقل الناس عنه من العلوم ما سارت به الركبان وانتشر صيته في جميع البلدان وروى عنه الأئمة الأكابر كیحیی بن سعید وابن جریج والسفیانین وأبي حنيفة وشعبة وأيوب السختياني.

جعفر صادق [عليه السلام] از آنجاست که او خلیفه و وصی او [امام باقر علیه السلام] بود و مردم علمی را از او نقل نمودند که مسافران علم و دانش را بدان سو جلب می نمود و آوازه آن در همه جا انتشار یافت. پیشوایان بزرگی همچون: یحیی بن سعید و ابن جریج و دو سفیان (سفیان ثوری و سفیان بن عیینه) و ابو حنیفه و شعبه و ابو ایوب سختیانی از آن حضرت روایت نقل کرده اند.

الهیثمی، ابوالعباس أحمد بن محمد بن علي ابن حجر (متوفى ٩٧٣هـ)، الصواعق المحرقة علي أهل الرفض والضلال والزندقة، ج ٢ ص ٥٨٦، تحقيق: عبد الرحمن بن عبد الله التركي - كامل محمد الخراط، ناشر: مؤسسة الرسالة - لبنان، الطبعة: الأولى، ١٤١٧هـ - ١٩٩٧م.

ملا علی قاری (متوفای: ١٠١٤هـق):

ملاعلی قاری از علمای حنفی مذهب اهل سنت می نویسد:

جعفر بن محمد أي ابن علي بن الحسين بن أبي طالب الهاشمي المدني المعروف بالصادق ... متفق على إمامته وجلالته وسيادته.

جعفر فرزند محمد باقر فرزند علی زین العابدین فرزند حسین بن علی بن ابی طالب، هاشمی مدنی، معروف به صادق ... بر امامت و بزرگی و سیادت او اتفاق نظر وجود دارد.

الهروي القاري، علي بن (سلطان) محمد، أبو الحسن نور الدين، (متوفى: ١٠١٤هـ)، شرح الشفاء، ج ١ ص ٤٤، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٢١ هـ.

شبرای (متوفای ١١٧١ هـق):

عبدالله بن محمد شبرای از اعیان شافعی مذهب، بعد از ذکر نام امام صادق سلام الله علیه چنین می نویسد:

السادس من الائمة جعفر الصادق ذو المناقب الكثيرة و الفضائل الشهيرة روي عنه الحديث كثيرون مثل مالك بن انس و أبو حنيفة و يحيي بن سعيد و ابن جريج و الثوري. ولد رضي الله عنه بالمدينة المنورة سنة ثمانين من الهجرة و غرر فضائله عن جبهات الأيام كاملة و توفي رضي الله عنه سنة ١٤٨ هـ .

جعفر صادق عليه السلام ششمین امام از ائمه دارای مناقب زیاد و فضائل مشهور می باشد از او بسیاری از محدثین بزرگ از جمله: مالک بن انس، ابوحنیفه، یحیی بن سعید و ابن جریج و ثوری. حدیث نقل کرده‌اند. در سال ۸۰ هجری در مدینه متولد شد و فضائل درخشانش بر پیشانی روزگار نقش بسته است. او در سال ۱۴۸ وفات یافت.

الشبراوي الشافعي، عبد الله بن محمد بن عامر، الإتحاف بحب الأشراف، ٥٤ ، دار النشر: مصطفى البابي الحلبي وأخويه - مصر، بي تا.

محمد الصبان (متوفای ۱۲۰۶هـ.ق):

صبان از دیگر علمای اهل سنت در کتاب اسعاف الراغبین که در حاشیه نور الابصار شبلنجی چاپ شده است، چنین می نویسد:

وأما جعفر الصادق فكان إماما نبیلا وأخذ الحديث عن أبيه ... وكان مجاب الدعوة إذا سأل الله شيئا لا يتم قوله الا وهو بين يديه.

جعفر صادق برترین پیشوا بود، حدیث را از پدرش [امام باقر سلام الله علیه] فراگرفته بود ... دعایش مستجاب بود و هنگامی که از خداوند چیزی را می خواست، هنوز کلامش تمام نشده بود که نزدش حاضر می شد.

الصبان، محمد، اسعاف الراغبين في سيرة المصطفى وفضائل أهل بيته الطاهرين في حاشية نور الابصار، ص ٢٤٨ ، مطبعة مصطفى البابي الحلبي واولاده، مصر، ١٣٤٧ هـ - ١٩٤٨ م.

محمد أمين البغدادي السويدي (متوفای ۱۲۴۶ هـ.ق):

سويدي نیز از علمای اهل سنت در کتاب سبائك الذهب فی معرفة قبائل العرب نیز چنین می نویسد:

جعفر الصادق كان بين إخوته خليفة أبيه ووصيه ، نقل عنه من العلوم ما لم ينقل من غيره ، وكان إماماً في الحديث ... ومناقبه كثيرة .

جعفر الصادق در بین برادرانش، جانشین و وصی پدرش بود. علمی از وی نقل شده که از کسی دیگر نقل نشده است و او در حدیث پیشوای محدثان بود و مناقب وی بسیار زیاد است.

البغدادي السويدي، محمد امين، سبائك الذهب في معرفة قبائل العرب، ص ٧٤ ، دار احياء العلوم – بيروت.

شبلنجی شافعی (متوفای حدود: ۱۲۹۱هـ.ق):

مومن بن حسن شبلنجی از بزرگان اهل سنت در کتاب نور الابصار چنین می نویسد:

ومناقبه كثيرة تكاد تفوت عد الحاسب ويحار في انواعها فهم اليقظ الكاتب. روي عنه جماعة من أعيان الأئمة وأعلامهم ك يحيى بن سعيد ومالك بن أنس والثوري وابن عيينة وأبي حنيفة وأيوب السختياني وغيرهم.

مناقش چنان زیاد است که اگر کسی بخواهد حساب کند، بسیار فوت شود [توان شمارش آن را ندارد] و در انواع آن فضایل فهم هر بیداری متحیر است. جماعت زیادی از پیشوایان بزرگ مانند یحیی بن سعید و مالک بن انس و ثوری و ابن عیینة و ابو حنیفة و ابو ایوب سختیانی و غیر اینان از او روایت نقل کرده اند.

شبلنجی الشافعی، حسن بن مومن، نور الابصار في مناقب آل بيت النبي المختار، ص ۲۹۷ ، قدم له: دكتور عبدالعزيز سالم، المكتبة التوفيقية، بي تا.

نبهانی (متوفای ۱۳۵۰ هـ.ق):

یوسف بن اسماعیل نبهانی در کتاب کرامات جامع کرامات الأولیاء چنین می نویسد:

جعفر الصادق أحد أئمة ساداتنا آل البيت الكبار، كان رضي الله عنه إذا احتاج إلي شئ قال: يا رباه أنا محتاج إلي كذا فما يستتم دعاءه إلا وذلك الشئ بجنبه موضوعا. قاله الشعراني.

شعرانی می گفت: جعفر صادق یکی از ائمه اهل بیت بزرگ ما بود. هر گاه محتاج چیزی می شد، می گفت: پروردگارا به فلان چیز احتیاج دارم و دعایش تمام نشده بود که آنچه خواسته بود در کنارش نهاده شده بود.

النبهاني، يوسف بن اسماعيل، جامع كرامات الأولياء، ج ۲ ص ۴ ، مركز أهل السنة بركات رضا فور بندر عجات، هند، الطبعة الأولى، ۲۰۰۱ م.

محمد ابو زهره (۱۳۹۳ هـ.ق):

وی نیز از جمله علمای معاصر اهل سنت است که تصریح می کند بر فضیلت و علم امام صادق علیه السلام اجماع صورت گرفته، چنان چه می نویسد:

ما أجمع علماء الإسلام على اختلاف طوائفهم في أمر كما أجمعوا على فضل الإمام الصادق وعلمه.

لَمْ أَكُلْ مِثْلَهُ قَطُّ، وَإِذَا عَنِبْتُ لَا عَجَمَ لَهٗ، فَأَكَلْتُ حَتَّى شَبِعْتُ، وَالسَّلَّةُ لَمْ تَنْفُصْ شَيْئًا، ثُمَّ قَالَ لِي: خُذْ أَحَبَّ الْبُرْدَيْنِ إِلَيْكَ، فَقُلْتُ لَهُ: أَمَّا الْبُرْدَانِ فَأَنَا غَنِيٌّ عَنْهُمَا، فَقَالَ لِي: تَوَارَ عَنِّي حَتَّى أَلْبِسَهُمَا، فَتَوَارَيْتُ عَنْهُ فَأَتَزَّرَ بِأَحَدِهِمَا، وَارْتَدَى بِالْآخَرَ، ثُمَّ أَخَذَ الْبُرْدَيْنِ اللَّذَيْنِ كَانَا عَلَيْهِ، فَجَعَلَهُمَا عِنْدَهُ وَنَزَلَ، وَاتَّبَعْتُهُ حَتَّى إِذَا كَانَ بِالْمَسْعَى لَفِيهِ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ: اكْسُنِي كَسَاكَ اللَّهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، فَدَفَعَهُمَا إِلَيْهِ، فَالْحَقْتُ الرَّجُلَ فَقُلْتُ: مَنْ هَذَا؟ قَالَ: هَذَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ اللَّيْثُ: فَطَلَبْتُهُ لِأَسْمَعَ مِنْهُ فَلَمْ أَجِدْهُ.

لیث بن سعد می گوید: در سال صد و سیزده به مکه رفتم پس از انجام نماز عصر از کوه ابو قبیس بالا رفتم. ناگاه دیدم مردی نشسته و دعا می کند. می گفت: یا رب یا رب یا رب تا نفسش قطع شد باز گفت: رب رب تا نفسش قطع شد. یا الله یا الله همین طور باز گفت: یا حی یا حی یا حی تا نفسش قطع شد باز گفت: یا رحیم یا رحیم همین طور سپس گفت یا ارحم الراحمین تا نفسش قطع شد هفت مرتبه این ذکر را تکرار کرد. سپس گفت: خدایا من از این انگور میخواهم مرا روزی فرما بارخدایا این دو لباسم کهنه شده است. لیث گفت: بخدا قسم هنوز دعایش تمام نشده بود که دیدم سبدی پر از انگور با اینکه در آن وقت انگور پیدا نمی شد و دو لباس جدا جدا در مقابلش نهاده شد. همین که خواست شروع بخوردن نماید گفتم: من هم با شما شریک هستم؟ پرسید برای چه گفتم: شما دعا کردی من هم آمین گفتم.

فرمود جلو بیا بخور ولی نباید چیزی ذخیره کنی و نگهداری. شروع بخوردن کردم انگوری بی دانه تا کنون به آن خوبی نخورده بودم خوردم تا سیر شدم. از آن سبد چیزی کاسته نشد. فرمود یکی از دو لباس ها را تو بردار. عرض کردم احتیاجی به لباس ندارم. فرمود یک طرف خود را پنهان کن تا من لباس را بیوشم خود را پنهان کردم یک لباس را لنگ نمود و به کمر بست و لباس دیگر را بر شانه انداخت و دو لباس کهنه قبلی را به دست گرفت و از کوه پائین آمد. به دنبال ایشان رفتم تا رسید به محل سعی (صفا و مروه) مردی او را دید عرض کرد آن لباس را به من بده که خدا تو را بیوشاند. او هر دو لباس را به او داد. من به دنبال آن مرد رفتم. سؤال کردم این شخص که بود؟ گفت: جعفر بن محمد [علیه السلام] بود. به دنبالش گشتم تا از او چیزی بیاموزم ولی دیگر او را نیافتم.

الطبري الرازي اللالكائي، أبو القاسم هبة الله بن الحسن بن منصور، (متوفاي ٤١٨هـ) كرامات الأولياء، ص ١٩١ و ١٩٢، دار النشر: دار طيبة - السعودية، الطبعة: الثامنة، ١٤٢٣هـ / ٢٠٠٣م.

و همین کرامت حضرت نیز در کتب شیعه وجود دارد:

محمد بن جریر الطبري (الشيعي)، دلائل الامامة ص ٢٧٧، تحقیق : قسم الدراسات الإسلامية - مؤسسة البعثة، چاپ : اول، سال چاپ : ١٤١٣، ناشر : مركز الطباعة والنشر في مؤسسة البعثة؛ الإربلي، أبي الحسن علي بن عيسى بن أبي الفتح (متوفای ٦٩٣هـ)، كشف الغمة في معرفة الأئمة، ج ٢ ص ١٦٠، ناشر: بنی هاشمی- تبریز، الطبعة الأولى، ١٣٨١ ق.

ابو حنیفه جارو کش مرقد امام صادق سلام الله علیه:

یکی از مطالبی که برخی از علمای اهل سنت بدان اشاره کرده اند، این است که ابوحنیفه به زیارت قبر امام صادق علیه السلام می‌رفته، در مشکلات خود از حضرت طلب استمداد کرده و حتی جارو کش مرقد مطهر آن حضرت بود.

مؤلف این کتاب در مقدمه کتابش تصریح می‌کند که مطالب کتابش را از منابع معتبر نوشته است. چنانچه می‌نویسد:

این عاجز مفتی محمود، ابن المرحوم المغفور المفتی عبد الغیور غفر له الغفور را که از کتب متداوله و رسائل معتبره جمع نموده است.

و وی در صفحه ۳۴ این کتاب چنین می‌نویسد:

و همچنین استاد المحدثین مایه افتخار سید المرسلین علیه الصلوة من رب العلمین عنی حضرت امام اعظم از قبر بعضی از ائمه هدی استعانت نموده اند. چنانچه حضرت مولوی علی محمد ختن و تلمیذ حضرت مولی یار محمد ملتانی محدث و مدرس لا ثانی در رساله خود می‌نویسد . در فتاوی عقائد المقتدی فی مسائل الہندی در فصل تعظیم علویہ آورده:

روي عن محمد بن الحسن الشيباني وعن أبي يوسف وعن وكيع رحمهم الله تعالى أن أبا حنيفة رضي الله تعالى عنه كان يزور أبدا قبر الإمام محمد الجعفر الصادق رضي الله عنه و يكنس علي بابہ ويعطي للمجاورين فتوحا ويطلب الإستعانه منه في الأمور.

از محمد بن حسن شیبانی و از ابو یوسف (دو شاگرد ابو حنیفه) و از وکیع نقل شده است که ابو حنیفه همیشه قبر مطهر امام صادق [علیه السلام] را زیارت و دروازه حرم آن حضرت را جارو می‌کرد، به مجاورین آن حضرت هدیه می‌داد و از امام صادق علیه السلام در مشکلات خود کمک می‌گرفت.

رد و هابی مشهور بحجة الإسلام، ص ۳۴.

در مقابل تحسینات و اعترافات علمای اهل سنت پیرامون مقام والا و جایگاه علمی وجود مقدس امام صادق علیه السلام، برخی از وهابیون تاب تحمل این تعریف و تمجیدات را نداشته و نسبت به وجود مقدس آن حضرت دهن کجی کرده که در این مجال جهت برملا ساختن چهره واقعی نواصب به مواردی کوتاه اشاره می‌شود.

توهين وهابيون به ساحت مقدس امام صادق عليه السلام:

ابراهيم السليمان الجبهان:

وی با گستاخی تمام در مورد آن حضرت چنین می نویسد:

لقد قرنت اسم جعفر بن محمد بعلامة استفهام في غير موضع تصحيحا للخطأ الشائع الذي وقع فيه كثير من أرباب التصانيف بالصاقهم كلمة الصادق باسم المذكور، وجعلها لقباً له وعلماً عليه. والواقع أن هذه التسمية أو بالأصح هذه التزكية ما كان ينبغي ان تطلق علي شخص حامت حوله الشبهات وكثرت فيه الأقاويل نسبت اليه أقوال مشحونة بالزندقة والاحاد لأنه اذا صح صدورها منه ونرجو ان لا يصح ذلك، فتسميته بالصادق تعني ضمناً، تصدث كل ما جاء به من الافك. واذا لم يصح صدورها منه فتسميته بذلك تزكية لا داعي لها ولا محل لها من الاعراب وتركها أحوط. زد علي ذلك انني لم أكن أول من شك في سلوكه فقد كنت مسبقاً الي ذلك ممن عاصروه وشاهدوا بذخه وترفه وقبوله العطايا من شيعته وهي محرمة عليه لأنه لم يكن ممن يستحقونها شرعاً.

من در همه جا کنار اسم جعفر بن محمد علامت استفهام [سؤال] قرار داده ام آن هم به خاطر اصلاح خطایی رایج که نویسندگان مرتکب شده و کنار اسمش لقب صادق را نوشته اند و این کلمه را لقب و علامت او قرار داده اند.

و در واقع این نوع از نام گذاری یا صحیح تر بگویم، این مدح، شایسته نیست نسبت به کسی به کار رود که در اطراف او شبهات قرار داشته و حرف هایی در مورد او وجود دارد و به او اقوالمتشنج به کفر و الحاد نسبت داده شده است چرا که اگر این ها از او صادر شده باشد -که امید می رود چنین نباشد- نامگذاری به صادق، کاری سخت است و تصدیق هرآنچه که بگوید دروغی بیش نیست. و اگر این گونه کلمات کفری و الحادی از وی صادر نشده باشد، پس نام گذاری او به صادق مدحی است که علتی نداشته و جا ندارد و آنچه موافق احتیاط است، ترک آن می باشد [که به او صادق گفته نشود]. اضافه بر آن، من اولین کسی نیستم که در روش او شک می کنم، بلکه قبلاً نیز کسانی که با او معاصر بوده اند و شاهد تکبر و خوش گذرانی و قبول هدایایی از شیعیانش بودند، در روش او شک کرده اند چرا که او از نظر شرعی استحقاق دریافت آن هدایا را نداشت و برایش حرام بود.

الجبهان، ابراهيم السليمان، تبديد الظلام، ص ۹ و ۱۰

وی همچنین در جایی دیگر با وقاحت تمام، امام صادق عليه السلام را ماسونی قلمداد می کند:

ولا اذيع سرا اذا قلت ان (جعفر بن محمد) كان من المع نجوم وقع عليها اختيار العصابات الماسونية عليه. فقد ثبت انه احد العميان الذين كانت شياطين لماسونية تعدهم و تمنيهم بنيل الخلافة.

من حرف مخفی را علنی نکرده‌ام و همه می‌دانند، اگر بگویم جعفر بن محمد (امام صادق سلام الله علیه) از مهمترین ستاره‌هایی بود که تحت اختیار گروه‌های ماسونی بود، به طور یقین ثابت است که وی یکی از نابینایان [جاهلان] بود که شیاطین ماسونی به او وعده و آرزوی رسیدن به خلافت می‌دادند.

الجبهان، ابراهیم السلیمان، تبديد الظلام، ص ۱۶۱، دار النشر: دار المجمع العلمي - جدة، ۱۳۹۹ هـ - ۱۹۷۹ م.

آری! این وهابیت و دشمنان مکتب حقه اهل بیت علیهم السلام هستند که تاب تحمل شنیدن فضائل و مناقب و برتری آن بزرگواران را نداشته و سعی در تخریب وجهه آن بزرگواران دارند در حالی که خداوند نور خود را عالمگیر خواهد نمود چنانکه فرمود:

«يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ اللَّهُ مُنْمٌ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ».

آنان می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش سازند ولی خدا نور خود را کامل می‌کند هر چند کافران خوش نداشته باشند.

گروه پاسخ به شبهات

موسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

www.valiasr-aj.com